



رفتار انسانی مسلمین |

با پیروان مذاهب دیگر

در شماره‌های پیش ، با طرز تفکر اسلام درباره « آزادی مذهبی » آشنائی پیدا کردیم ، اینک روشهای علمی بنیانگذار اسلام و دیگر از آحاد مسلمین را مورد بررسی قرار میدهیم .

با آنکه یهودیان و مسیحیان ، در آغاز اسلام ، آنهمه کارشکنی و خرابکاری علیه پیامبر اسلام ، کرده بودند ، ولی هنگامیکه او پیروز گردید و بر اوضاع مسلط شد ، آنان را مورد بخشش و لطف عمیم خود قرارداد ، و با آنان رفتاری انسانی و برادرانه نمود ، مهمانیهای آنان را می پذیرفت ، مردگانشان را تشییع میکرد ، مریضانشان را عیادت مینمود ، با آنها دید و بازدید میکرد ، به آنها فوق العاده احترام مینمود ، تا جائی که نقل شده : هنگامیکه نصاری نجران ، پیش او آمدند ، عبایش را برای آنان فرش کرد و از آنان درخواست کرد که روی عبایش بنشینند .

از اهل کتاب قرض میگرفت و متاعی از خود پیش آنان ، بگرو می گذاشت (۱) مورخان ، نوشته اند : هنگامیکه پیامبر اسلام ، از دنیا میرفت ، زرش پیش يك مرد یهودی به گرو بود .

«مارون بك عبود مسیحی» استاد دانشگاه عالیہ بیروت ، در اشعار معروفش به همین حقیقت ، تصریح میکند :

(۱) روح الدین الاسلامی ص ۲۶۲

یا من یموت و درعه مرهونه قد دست مجد الاصفی الرنان (۱)
 گرچه ممکن بود ، پیامبر اکرم ، مبلغ مورد احتیاجش را از صحابه و یارانش ،
 قرض کند ، ولی او این کار را بعنوان تعلیم بیادانش و اینکه اهل کتاب هم مانند دیگر آحاد
 ملتند ، انجام داد .

جابر بن عبدالله می گوید : جنازه ای را از کنار ما عبور میدادند ، پیامبر اسلام ، بعنوان
 احترام . از جا برخاست مانیز ، برخاستیم ، آنگاه بحضرت عرض کردیم : یا رسول الله مگر
 این جنازه یکی از اهل کتاب نیست ؟! حضرت فرمود چرا مگر اهل کتاب انسان نیست ؟ من به
 خاطر احترام به انسانیت برخاستم ، شما هم هر گاه جنازه ای دیدید ، ولو آنکه از آن مسلمین
 نباشد ، به آن احترام کنید ، (۲)

به پیروی از رفتار مسالمت آمیز پیامبر اکرم ، دیگر از مامداران اسلامی و مسلمین نیز ،
 با اهل کتاب و پیروان مذاهب دیگر ، رفتاری انسانی و برادرانه داشته اند ، اهل کتاب و
 مسلمان ، در کنار هم زندگی میکردند و هیچگونه اذیت و آزار و توهینی بیکدیگر نمی کردند ،
 از همدیگر عبادت مینمودند ، باهم دادوستد داشتند ، در فقر و بیچارگی بدادیکدیگر میرسیدند
 حقوق همسایگی را رعایت می کردند .

یکی از غلامان ابن عباس (صحابی معروف) می گوید : روزی گوسپندی سر بریدم ،
 ابن عباس بمن گفت همسایه غیر مسلمان ما را فراموش مکن و سهم او را بده ، او چند بار
 این جمله را تکرار کرد و سفارش او را داد من باو گفتم : چقدر سفارش میکنی با آنکه او
 غیر مسلمان است ؟! وی در جواب گفت : پیغمبر اسلام ، آنقدر در حق همسایه بما سفارش کرده
 که بیم داشتیم او را جزء ورثه قرار دهد !

« عنیف عبدالفتاح طبارة » بعد از نقل این حدیث ، اضافه می کند : « از این روایت
 فهمیده میشود که ابن عباس در همسایگی خانواده ای غیر مسلمان بسر می برده و بخاطر همین
 امر ، اهتمام در دادن هدایا به آن ، مانند دیگر همسایگان داشته است ، و معنی این کار ، این
 است که اسلام در اصول اخلاقی و اجتماعی ، بین مسلمان و غیر مسلمان فرق نمیگذارد ، تمام
 مردم در برابر او یکسانند ، و لذا پیامبر اکرم فرموده است : « پیروان مذاهب دیگر را مشمول

(۱) ای کسیکه از دنیا رفتی و زرت در گرو دیگران بود ، از این راه عظمت سیم وزر را
 پامال کردی .

(۲) اسلام و صلح جهانی ص ۲۵۰ نقل از صحیح بخاری ،

عنايات مالی خود قرار دهید (۱)

روی همین تعالیم عالیہ اسلامی بوده هنگامی که علی بن ابیطالب از راهی عبور میکرد ، پیرمرد تهیدست ناتوانی را دید که دست سؤال بسوی مردم دراز کرده است پرسید این پیر مرد کیست ؟ گفتند : او یکنفر مسیحی است ، علی (ع) در حالیکه سخت ناراحت بنظر میرسید فرمود : «استعملتموه حتی اذا کبر وعجز منعتموه انفقوا علیه من بیت المال تازمانی که قدرت داشت از او کار کشیدید ، حال که پیر و ناتوان شده است ، کاری به او ندارید ؛ زندگی و معاش او را از بیت المال تامین کنید ، (۲)

بطوریکه ملاحظه میفرمائید : علی (ع) پیروان مذاهب دیگر را نه تنها در عقیده خود ، آزاد میگذارد ، بلکه مانند دیگر از آحاد مسلمین ، برای آنها حق « بازنشستگی » قائل است .

«سید قطب» نویسنده مشهور اسلامی ، نظیر همین داستان را درباره خلیفه دوم و یکفرد ذمی ، بشرح زیر نقل می کند :

« خلیفه ، پیرمرد پریشانحالی را دید که دم در بها ، به گدایی مشغول است ، از او احوال گرفت ، معلوم شد که او از اهل ذمه است ، خلیفه به او گفت : چه چیز ترا باین کار وادار کرده است ؟

او گفت : « نیازمندی و پیری » خلیفه دست او را گرفت و به منزل خود برد و به مقداری که نیازمندی فوری او را رفع کند ، به او بخشید ، آنگاه او را پیش خازن بیت المال فرستاد و به او دستور داد : « مراعات حال اینمرد و امثال او را بنما ، قسم بخدا که اگر در حال جوانی از آنها سود به بریم و در هنگام پیری آنها را رها کنیم ، رعایت انصاف و عدالت نکرده ایم »

آنگاه اضافه کرد : قرآن میفرماید : « انما الصدقات للفقراء والمساکین . . . » صدقات مال فقرا ، و درماندگان است و اینمرد نیز از درماندگان اهل کتاب می باشد (۳)

همین رفتار انسانی مسلمین ، با پیروان مذاهب دیگر ، باعث شد که آنان ، در کشور اسلامی ، شخصیت علمی و فرهنگی و اجتماعی و مذهبی خود را حفظ کرده از همه گونه آزادیهای مشروع بهره مند باشند و حتی پستها و مشاغل مهم فرهنگی و اجتماعی را حیات نمایند

(۱) روح الدین الاسلامی ص ۲۶۲

(۲) وسائل الشیعه ج ۱۱ باب ان نفقة النصرانی اذا کبر وعجز عن الکسب من بیت المال

ص ۳۹ .

(۳) اسلام و صلح جهانی ص ۲۵۱

حکومت و عدالت

از جمله مسائلی که در نهج البلاغه فراوان درباره آنها بحث شده است مسائل مربوط به حکومت و عدالت است .

هر کسی که يك دوره نهج البلاغه را مطالعه کند می بیند علی (ع) درباره حکومت و عدالت حساسیت خاصی دارد ، اهمیت و ارزش فراوانی برای آنها قائل است . قطعاً برای کسانی که با اسلام آشنائی ندارند و برعکس با تعلیمات سایر ادیان جهانی آشنا می باشند باعث تعجب است که چرا يك پیشوای دینی اینقدر باینگونه مسائل می پردازد ؟ مگر اینها مربوط بدنیا و زندگی دنیا نیست ؟ آخر يك پیشوای دینی را بادنیا و زندگی و مسائل اجتماعی چه کار ؟
«لطفاً ورق بزنید»

← «سیر توماس . و . ارنولد» مستشرق معروف آلمانی در کتاب «الدعوة الی الاسلام» مینویسد : «ولایتهائی که تحت اشغال امپراطوری روم ، بودند ، یکی پس از دیگری وسیله مسلمانها فتح می شدند ، مردم آن سامان که در طول قرن های متمادی ، بخاطر اختلافات مذهبی از قبیل : یعقوبی و منظوری ، رنگ همزیستی مذهبی و تسامح دینی را ندیده بودند ، یکمرتبه خود را در مقابل يك دنیا بزرگواری و گذشت و آزادی مذهبی می یافتند . این همان اسلام بود که بآنها اجازه میداد : آزادانه مراسم دینی خود را انجام دهند و شعائر مذهبی خود را برپا دارند و فقط برای جلوگیری از برخورد های مذهبی میان پیروان مذاهب مختلف ، و تعصب های بیجای دینی ، لازم دید که مقرراتی در این زمینه مراعات گردد تا دود این تحریکات و تعصبات بچشم اسلام و ساکنان آن منطقه نرود . کسیکه میخواهد حقیقت این همزیستی مذهبی اسلامی را که در تاریخ قرن هفتم میلادی بسیار چشم گیر است بفهمد میتواند آنرا از پیمانهاییکه مسلمانان با مردم سرزمینهای فتح شده ، بسته اند ، و در ضمن آنها متعهد شده اند از جان و مال و آزادی دینی آنها در مقابل «جزیه» حمایت نمایند ، بدست آورد» (۱)